

معرفی کتاب

اشاره

در زمینه بررسی دقیق هولوکاست و ادعاهای یهودیان و نقد این ادعاها تحقیقات فراوانی از سوی نویسندگان مختلف و دانشمندان مشهور غربی و غیرغربی صورت گرفته است. برخی از این تحقیقات به صورت کتاب منتشر شده است که تعداد این کتب از چند صد مورد فراتر می‌رود. تصور اولیه بسیاری از افراد این است که در زمینه هولوکاست و رد ادعاهای موجود کار چندانی صورت نگرفته است. در جهت تصحیح این تصور نادرست، در این بخش ۵ مورد از کتب برتر برای خوانندگان معرفی شده است که می‌توان مدعی شد از جمله تحقیقی‌ترین و مطرح‌ترین کتب لاتین و فارسی در این زمینه هستند. در انتخاب کتب تلاش بر آن بوده است که علاوه بر معرفی کتب برتر، همه جوانب تحقیقات در مورد هولوکاست تا حد امکان مورد توجه قرار گیرد و از این رو در نهایت ۵ مورد زیر انتخاب شده‌اند. امید است که این بخش بتواند در آشنایی محققان با منابع تحقیق مؤثر باشد. تهیه، تنظیم و معرفی این کتابها به عهده مصطفی رشیدی طغرالجردی بوده است.

بزرگ ترین فریب قرن بیستم^۱

نویسنده: آرتور بوتز

معرفی نویسنده:

«آرتور بوتز»^۲ استاد دانشگاه نورث وسترن^۳ در ایالت ایلینویز^۴ ایالات متحده و نویسنده کتاب مشهور بزرگ ترین فریب قرن بیستم می باشد. او درجه دکتری خود را در علوم فنی - مهندسی در سال ۱۹۶۵م از دانشگاه مینه سوتا^۵ دریافت کرده است، متخصص علوم کامپیوتری و مهندسی الکترونیک می باشد؛ اما پروفیسور بوتز بیش از همه به خاطر مقالات تاریخی خود و کتاب مشهور بزرگ ترین فریب قرن بیستم شهرت دارد.



تحقیقات پروفیسور بوتز در مورد هولوکاست نتیجه بررسیهای اولیه اش در سال ۱۹۷۲م است که در پی آشنایی با کتاب نابودسازی یهودیان اروپا^۶ اثر «رائول هیلبرگ»^۷ شروع شد. چنان که بوتز در مقدمه کتاب خود متذکر می شود، مطالعه کتاب «هیلبرگ» در حمایت اغراق آمیزش از افسانه هولوکاست شک و شبهه های اولیه اش را در فریب دانستن هولوکاست تقویت نمود (ص ۱۸). کتاب نابودسازی یهودیان اروپا از جمله مهم ترین کتابهای نوشته شده در حمایت از هولوکاست است.

پروفیسور بوتز تاکنون آثار مهم و قابل توجهی در زمینه نقد تاریخ نگاری قرن بیستم و افسانه سازیهای صورت گرفته در مورد هولوکاست نوشته است که برخی از آنها عبارت اند از:

The International Holocaust Controversy, The Journal of Historical Review, Vol 1, No. 1 (Spring 1980), P.5.

The Hoax Ends in 20th Century, The Journal of Historical Review, Vol 17, No. 6, (November 1998), P.2.

The Coreatest Pirty Open Secret, The Journal of Historical Review, Vol 19, No. 5, (September, 2000), P. 18.

Brief Introduction to Holocaust Revisionism, The Journal of Historical Review, Vol 11. No. 2, (Summer 1991), P. 251. A

او پس از نشر کتاب خود در طول سه دهه گذشته همواره مورد حملات شدید تبلیغاتی رسانه های صهیونیستی بوده بارها به خاطر نظریاتش در نقد هولوکاست تحت تعقیب قضایی قرار گرفته است.

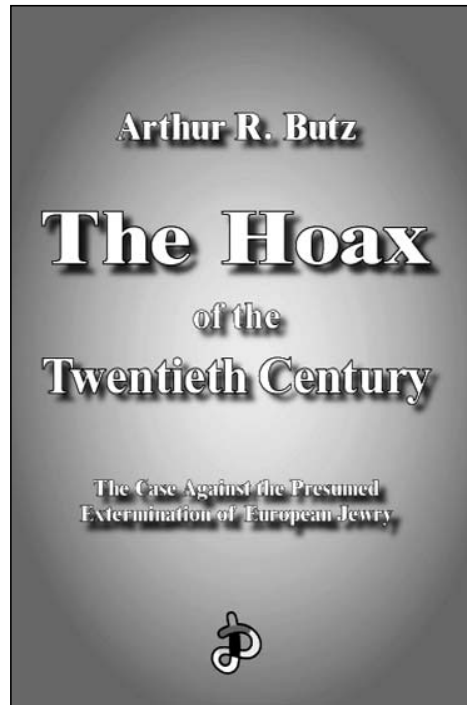
معرفی کتاب

کتاب بزرگ ترین فریب قرن بیستم که از سوی انتشارات «ناشران کسل هیل»^۸ و با عنوان کامل بزرگ ترین فریب قرن بیستم؛ موضعی علیه فرضیه نادرست نابودسازی یهودیان اروپا در ۵۰۲ صفحه منتشر شده است، در اصل دارای یک مقدمه و هشت فصل است که در چاپهای متأخر مقدمه ای (در چاپ ۲۰۰۳م) به ابتدای متن، مقاله ای در مورد مکتب تاریخ حقیقی^۹ و نگاه آنها به هولوکاست و چند مقاله دیگر به انتهای کتاب اضافه شده است. این کتاب در انتها دارای اسناد و عکسهایی فراوان در رد افسانه سازیهای صورت گرفته در مورد هولوکاست است.

در دو مقدمه موجود در این کتاب، نویسنده به شرح چگونگی آشنایی خود با ماجرای هولوکاست و ذکر روند تحقیقات صورت گرفته در روند تألیف کتاب می پردازد. پروفیسور بوتز در این دو مقدمه با ذکر فعالیتهای تحقیقی خود در زمینه تاریخ جنگ جهانی دوم، به دفاع از صلاحیت خویش در زمینه مطالعات تاریخی می پردازد که البته تألیف کتاب عالمانه و جامع نگر حاضر، خود بهترین شاهد بر صلاحیت او در مطالعات تاریخی است.

در مقاله بسیار کوتاهی که بوتز در چاپهای اخیر تحت عنوان «معرفی کوتاه مطالعات مکتب تاریخ حقیقی در مورد هولوکاست» افزوده است، دلایل تصور عمومی رایج در غرب در مورد هولوکاست را بررسی کرده است.

فصل اول کتاب با عنوان «محاکمات، یهودیان و نازیها» به بررسی دادگاههای جنایت کاران جنگی جنگ جهانی دوم می پردازد و تناقضات و رویه های قضایی غیرمعمول استفاده شده در این محاکمات را بیان می کند و به طور خاص دادگاه نورنبرگ را مورد توجه قرار می دهد. در ادامه این فصل، پروفیسور بوتز با مقایسه های آماری نشان می دهد که یهودیان در طول جنگ جهانی دوم و سالهای قبل از آن نه تنها تعدادشان کم نشده که افزایش هم پیدا کرده است و



یهودیان اروپا به ایالات متحده مهاجرت کرده اند.

اهمیت کتاب

کتاب بزرگ‌ترین فریب قرن بیستم که اولین بار در ۱۹۷۶م در انگلستان (چاپ امریکا در ۱۹۷۷م) منتشر شد تاکنون اهمیت خود را به عنوان یکی از تحقیقات جدی و همه‌جانبه در نقد هولوکاست حفظ کرده است. با گذشت قریب به سه دهه از اولین چاپ این کتاب هنوز هم حامیان هولوکاست از پاسخ به نقدهای صورت گرفته توسط پروفیسور بوتز بازمانده اند. اثر ماندگار پروفیسور بوتز از جهت رسیدگی به جنبه‌های مختلف افسانه هولوکاست، از یک سو و به جهت تلاش او در بررسی همه منابع موجود، از سوی دیگر، به اثری کم‌نظیر تبدیل شده است. حامیان هولوکاست در ابتدا تصمیم به سانسور خبری این کتاب و نادیده انگاشتن آن گرفتند؛ چنان‌که آبوت ای‌روزن^{۱۰} مدیر اجرایی «انجمن ضدافترا»^{۱۱} در شیکاگو که از سازمانها و لایبهای مشهور و قدرتمند یهودی در ایالات متحده است اعتراف می‌کند که از اولین نشر این کتاب «انجمن ضدافترا» برای جلوگیری از شهرت آن تصمیم به سانسور خبری و نادیده گرفتن آن گرفت. اما با گذشت زمان این کتاب مخاطبان زیادی را به خود جذب کرد به نحوی که این سازمان مجبور به عکس‌العمل در برابر آن شد. البته همان‌طور که اشاره شد هیچ‌یک از این اقدامات در جهت پاسخ منطقی به نقدهای مطرح شده از سوی پروفیسور بوتز نبوده است و فقط در جهت منکوب کردن تبلیغاتی و سیاسی پیش رفته است.

فصل اول:

پروفیسور بوتز فصل آغازین کتاب خود را به بررسی همه‌جانبه محاکمات پس از جنگ اختصاص داده است. او در این فصل ابتدا به این مسئله می‌پردازد که اگر محاکمات بعد از جنگ نبود، تردیدی در نبود نسل‌کشی یهودیان وجود نداشت. به همین خاطر است که این محاکمات جایگاه ویژه‌ای در کتاب وی دارد. در حقیقت محاکمات هم بخشی از نقشه یهودیان بوده است. بوتز می‌افزاید که مردم اروپا که در سالهای قبل از جنگ شاهد مهاجرت یهودیان اروپا به ایالات متحده، فلسطین و دیگر کشورها بودند در سال ۱۹۴۶ و تا قبل از محاکمات نورمبرگ افسانه نسل‌کشی شش میلیون یهودی را باور نمی‌کردند. در ادامه این قسمت، تعدادی از کتابهای مربوط به هولوکاست به اختصار معرفی شده است.

پروفیسور بوتز در بخش بعدی این فصل به بررسی‌های آماری و مقایسه نرخ رشد جمعیت امریکا، یهودیان تمام جهان، یهودیان امریکا و یهودیان اروپای شرقی پرداخته است (صص ۳۱

۲۸) و در پایان به این نتیجه رسیده است که کاهش جمعیت یهودیان اروپای شرقی به جهت مهاجرت به ایالات متحده می‌باشد.

در بخش پایانی این فصل محتوای دادگاههای جنایات جنگی بررسی شده است. در ابتدا دادگاه نورمبرگ، رویه قضایی جاری در آن، روند شکل‌گیری، افراد مسئول در آن همراه با سابقه آنها ذکر می‌شود. به طور مثال در این دادگاه برخلاف تمام دادگاههای نظامی، هیئت منصفه وجود نداشته و اعترافات زیر شکنجه اخذ می‌شده است و یا هیچ‌گونه سند یا مدرکی یافت نشده که بر اساس آن مقامات ارشد نازی دستور نسل‌کشی یهودیان را صادر کرده اند و تنها تعبیر «راه حل نهایی»^{۱۲} در اسناد یافت شده است (صص ۳۷-۳۴)؛ و یا به طور مثال در دادگاه داخائو^{۱۳} بازجو شاهدهی را به جایگاه می‌آورد که ادعا می‌کند که برادرش به دست منزل^{۱۴} شکنجه شده به قتل رسیده است. ولی متهم با شناسایی برادر شاهد که در دادگاه نشسته بوده است توانست اثبات کند که برادر این فرد زنده و سالم است. در این هنگام بازجو با عصبانیت به شاهد می‌گوید که با این کار احمقانه که تو کردی و برادرت را به دادگاه آوردی ما چگونه این خوک را دار بز نیم (ص ۴۱). در ادامه کتاب دادگاههای دیگری که در سالهای بعد شکل گرفتند مورد بررسی و نقش یهودیان در تشکیل و اجرای این دادگاه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و در انتهای فصل هم در مورد حزب نازی و بخشهای مختلف و افراد مهم آن و عقاید آنها توضیحاتی ارائه گردیده است.

فصل دوم:

در این فصل پروفیسور بوتز به اردوگاههای زمان جنگ جهانی دوم می‌پردازد و مناظر ترس‌آور و دهشت‌انگیز ارائه شده از اردوگاه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. پروفیسور بوتز با ارائه دلایل و مدارک و به مدد تصاویر انتهای کتاب، دلیل اصلی مردن انسانها در اردوگاهها را شیوع بیماری تیفوس عنوان می‌کند و تصاویر ارائه شده هم مربوط به انسانهایی است که در اثر تیفوس جان باخته‌اند (ص ۵۵). نکته درخور توجهی که پروفیسور بوتز به آن اشاره می‌کند این است که از اردوگاههای شرقی شامل آشویتس^{۱۵}، بلزک^{۱۶}، چلمنو^{۱۷} (کولمهف)، لوبلین (مایدانک)^{۱۸}، سابی بور^{۱۹} و تربلینکا^{۲۰} که ادعا می‌شود نسل‌کشی یهودیان و کشتارهای سازمان یافته در آنها صورت گرفته است هیچ‌گونه عکسی وجود ندارد و عکسهایی که در آنها انبوهی از انسانهای مرده و برهنه دیده می‌شوند مربوط به اردوگاههای داخائو، بلسن^{۲۱} و بوخونوالد^{۲۲} است که هیچ ادعایی هم مبنی بر وجود نسل‌کشی در این اردوگاهها وجود ندارد (ص ۵۶).

در این فصل پروفیسور بوتز سعی می‌کند تصویری کلی از اردوگاه‌های آلمان ارائه دهد و عنوان می‌کند که تنها سیزده اردوگاه کار اجباری آلمانی وجود داشته است که با یکدیگر نزدیک بودند (ص ۵۷)؛ در ضمن عنوان می‌شود که اردوگاه‌های کار اجباری مخصوص یهودیان نبوده است و اگر یهودی هم در آنجا یافت می‌شده دلیل خاصی داشته است؛ یهودیان در گتو^{۲۳}ها آزادانه زندگی می‌کردند (ص ۵۸). در ادامه، تاریخچه‌ای از اردوگاه‌های کار اجباری بیان می‌شود که ادعای نسل‌کشی در آنها وجود دارد که شامل شروع به کار آنها، دلیل شروع به کار آنها، تغییراتی که در طول زمان در آنها پیدا شده است و سرانجام آنها می‌باشد و سپس به طور جداگانه به اردوگاه‌های بلزن، بوخونوالد و داخائو می‌پردازد و در نهایت هم اردوگاه آشویتس را که در آن عملیات صنعتی عظیم و وسیعی در حال اجرا بوده است مورد مطالعه قرار می‌دهد.

فصل سوم:

در فصل سوم تحت عنوان بحران لاستیک در سال ۱۹۴۲ نویسنده با توجه به اینکه آشویتس را کارخانه تولید لاستیک آلمانیها معرفی می‌کند عنوان می‌دارد که به علت وجود بحران لاستیک در امریکا نیروهای امنیتی این کشور راجع به تحولات آشویتس بسیار حساس بوده از اتفاقاتی که در آنجا رخ می‌داده است خبر داشته‌اند. از این رو اگر در آشویتس برنامه‌ای به عنوان کشتار جمعی در جریان بوده مأموران اطلاعاتی امریکا اولین کسانی بودند که باید از آن مطلع می‌شدند؛ بویژه اینکه پیش از جنگ و حتی سالهای اولیه جنگ ارتباطی بین آلمان و امریکا وجود داشته دو کشور در زمینه لاستیک با هم همکاری می‌نمودند. این در حالی است که مقامات امریکایی به خصوص مقامات امنیتی این کشور هرگز ادعای کشتار جمعی یهودیان را در آن تاریخ مطرح نکرده‌اند و چنان که نویسنده نشان می‌دهد، اولین ادعاهای کشتار جمعی یهودیان از سوی مقامات دولتی امریکا به وزارت خزانه‌داری این کشور و کنگره جهانی یهودیان به ریاست خاخام استفن وایز^{۲۴} باز می‌گردد که هرگز از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی تأیید یا حمایت نشده است.

نویسنده در ادامه، تبلیغات زمان جنگ نیروهای متفقین علیه آلمان و نقش آن در افسانه هولوکاست را مورد بررسی قرار می‌دهد. به عنوان نمونه به روزنامه نیویورک تایمز و فعالیت‌های آن در این زمینه می‌پردازد. مثلاً این روزنامه در دهم مارس سال ۱۹۴۳ عنوان می‌دارد که تاکنون دو میلیون یهودی کشته شده‌اند و برای کشتن چهار میلیون باقی مانده برنامه‌ریزی خاصی صورت گرفته است. گو اینکه از همان سال معلوم بوده که بایستی تبلیغات روی کشته شدن شش میلیون یهودی صورت پذیرد (ص ۱۰۴).

فصل چهارم:

در فصل چهارم نویسنده به بررسی موردی اردوگاه آشویتس می‌پردازد که از سوی حامیان هولوکاست به عنوان اصلی‌ترین اردوگاه کشتار جمعی یهودیان مطرح شده است. برای بررسی اردوگاه آشویتس، پروفیسور بوتز ابتدا به بررسی صحت و سقم اعترافات رادولف هس^{۲۵} (فرمانده این اردوگاه از می ۱۹۴۰ تا اواخر ۱۹۴۳) می‌پردازد. بوتز با بررسی دقیق و جمله به جمله اعترافات هس آشکار می‌سازد که این اعترافات با حقایق مسلم تاریخی در تعارض بوده و از این رو باید در صحت آنها تردید نمود (صص ۱۳۹ - ۱۳۸).

از جمله نکات جالب توجهی که در این فصل از سوی وی بررسی شده است، وجود بیمارستانی فعال در اردوگاه آشویتس در سالهای موردنظر است. به عنوان مثال دکتر رالی کوهن (پزشک یهودی آلمانی) در طول سال ۱۹۴۳ در بیمارستان آشویتس به مداوای بیماران مشغول بوده است (صص ۱۴۲ - ۱۴۱). وجود بیمارستانی فعال با حضور پزشکان و دیگر عوامل یک بیمارستان، ادعای اردوگاه کشتار جمعی بودن آشویتس را به امری مسخره تبدیل می‌کند. چنان که بوتز عنوان این بخش از کتاب خود را «بیمارستانی برای انسانهایی که قرار بود نابود شوند» می‌گذارد (صص ۱۴۴ - ۱۴۱). از نکات قابل توجه دیگر در این فصل می‌توان به زبانی که اعترافات مذکور بدان نوشته شده است اشاره کرد. بوتز خوانندگان خود را به این نکته توجه می‌دهد؛ هس به زبان انگلیسی مسلط نبوده اطلاعات او در مورد این زبان به اندازه هر شهروند معمولی آلمانی در آن زمان بوده است. اما جالب توجه این است که اولین بار متن اعترافات هس در سال ۱۹۵۹، سیزده سال بعد، از انگلیسی به آلمانی ترجمه می‌شود. این بدان معناست که هس در زمان امضای اعترافات مذکور به آنچه بازجویان انگلیسی زبان نوشته بودند، اعتماد(!) کرده است (ص ۱۵۷). پروفیسور بوتز در ادامه این فصل با بحث از اردوگاه بیرکناو در حوالی اردوگاه آشویتس نشان می‌دهد که ادعای حامیان هولوکاست در مورد این اردوگاه نادرست است و بیرکناو به جای یک «اردوگاه مرگ»^{۲۶} مکانی برای کار اجباری ساکنان اردوگاه آشویتس بوده است (صص ۱۵۹ - ۱۵۸).

فصل پنجم:

پنجمین فصل کتاب بزرگترین فریب قرن بیستم به موضوع یهودیان مجارستان می‌پردازد. بوتز متذکر می‌شود که آلمان و متحدان آن کشور در سالهای جنگ جهانی دوم به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و سازمانهای ملی آن اجازه عمل در اروپای تحت تصرف خود را داده بودند. بر این

پانوشتها:

1. The Hoax of the Twentieth Century.
2. Arthur R. Butz.
3. North Western Univercity.
4. Illinois.
5. Minne sota.
6. The Destruction of the European Jews.
7. Raul Hilberg.
8. Castle Hill Publishers.
9. Holocaust Revisionism.
10. Abbot A. Rosen.
11. ADL: Anti Defamation League.
12. Final solution.
13. Dachau.
14. Menzel.
15. Auschwitz.
16. Belzec.
17. Kulmhof (Chelmno).
18. Lublin (Majdanek).
19. Sobibor.
20. Treblinka.
21. Belsen.
22. Buchenwald.
23. Ghetto.
24. Stephen Wise.
25. Rudolf Hoss.
26. Death Camp.

مبنا اگر کشتار جمعی وسیعی علیه یهودیان مجارستان صورت می‌گرفت طبیعی بود که این سازمانها از آن مطلع شده اندکی از خبررسانی را در مورد آن انجام می‌دادند (ص ۱۶۷)؛ اما چنین گزارشها و اخباری هرگز منتشر نشده است.

بوتز پس از بررسی مفصل وضعیت یهودیان مجارستان و رومانی این سؤال اساسی را مطرح می‌کند که اگر مطابق ادعاهای یهودیان از سال ۱۹۴۴ کشتار جمعی هم‌کیشانان در این کشورها بر همگان آشکار شده بود چرا نیروهای متفقین برای نجات این افراد و یا حداقل بمباران اتاقهای گاز مورد ادعا اقدامی نکردند (صص ۱۸۸ - ۱۸۷). از این رو بوتز معتقد است دلیلی برای پذیرش داستانهای غیرقابل باور حامیان هولوکاست در مورد سرنوشت یهودیان این کشورها وجود ندارد (ص ۲۱۲).

فصل ششم:

در فصل ششم، پروفیسور بوتز به سایر ادعاهای یهودیان در مورد اردوگاههای کشتار جمعی می‌پردازد. او در این فصل خاطر نشان می‌سازد که در دادگاههایی که حکم محکومیت برای به ظاهر جانیان هولوکاست صادر شده است، شکنجه متهمان امری مرسوم و بسیار پر استفاده بوده است (صص ۲۳۶ - ۲۳۳).

فصل هفتم:

در فصل هفتم، موضوع جنجال برانگیز «راه حل نهایی» مورد بررسی قرار می‌گیرد. بوتز در این فصل نشان می‌دهد که راه حل نهایی مورد نظر نظام هیتلری برای مسئله یهودیان به هیچ وجه کشتار جمعی و نابودسازی آنها نبوده بلکه سیاستی در جهت خارج کردن و مهاجرت اجباری همه یهودیان از اروپا بوده است.

فصل هشتم:

فصل هشتم و آخرین فصل این کتاب، مجموعه‌ای از جوابهای پروفیسور بوتز به اعتراضات و انتقادات مختلفی است که در مورد آرای او مطرح شده است. او در این فصل به طور خلاصه به مهم‌ترین انتقادات پاسخ می‌دهد. البته باید توجه داشت که کتاب بوتز بیشتر مورد حملات تبلیغاتی واقع شده تا نقدهای قابل توجه تخصصی.

فینکلشتاین مدرک دکتری خود را به سال ۱۹۸۸ از دانشگاه پرینستون در رشته علوم سیاسی اخذ کرده اکنون در دانشگاه دیپول^۶ شیکاگو همین رشته را تدریس می کند. کتابهایی که فینکلشتاین تاکنون به رشته تحریر درآورده است عبارت اند از:

Beyond Chutzpah: On the misuse of anti-Semitism and the abuse of history (University of California Press, August 2005).

The Holocaust Industry: Reflections on the exploitation of Jewish suffering

Image and Reality of the Israel-Palestine Conflict (Verso: 1995: expanded second edition, 2003)

A Nation on Trial: The Goldhagen thesis and historical truth (With Ruth Bettina Birn) (Henry Holt: 1998)

The Rise and Fall of Palestine: A Personal account of the intifada Years (University of Minnesota: 1996)

نکته قابل ذکر آنکه، فینکلشتاین نه تنها منکر وجود هولوکاست نیست، بلکه به شدت بر وجود هولوکاست تأکید دارد و این امر در جای جای کتاب او پیداست، بویژه در معرفی کتاب که در پشت جلد آن آمده است انکار هولوکاست تلویحاً مردود و غیرمحققانه خوانده شده است و فینکلشتاین نیز در مقدمه کتاب به صراحت بر آن تأکید می کند (ص ۹).

اهمیت کتاب

کتاب صنعت هولوکاست که اول بار در سال ۲۰۰۰ انتشارات ورسو^۷ (لندن- نیویورک) آن را منتشر کرده است، نه به عنوان کتابی در نقد افسانه هولوکاست، بلکه به عنوان کتابی در بیان سوءاستفاده های سازمانهای یهودی و صهیونیستی از این امر، مشهور است. این کتاب هر چند ضمن پذیرش اصل وجود هولوکاست، بر آن تأکید نیز می کند، اما در بیان سوءاستفاده های یهودیان از هولوکاست و منافع آنها در این امر بسیار موفق بوده است، تا حدی که بسیاری از محققان «مکتب تاریخ حقیقی»^۸ خواندن این کتاب را برای درک سودهای یهودیان از هولوکاست، توصیه کرده اند. نکته جالب توجه آنکه در حالی که اکثر کتابهای مهم و جدی نقد هولوکاست در جمهوری اسلامی و زبان فارسی کاملاً مهجور مانده اند و هیچ آگاهی و ارجاعی در مورد آنها وجود ندارد، اما این کتاب به سرعت و اندکی پس از اولین چاپ آن به زبان لاتین، به فارسی منتشر شد.

صنعت هولوکاست^۱

نویسنده: نورمن جی. فینکلشتاین

معرفی نویسنده

«نورمن جی. فینکلشتاین» نویسنده یهودی به سال ۱۹۵۳ در بروکلین نیویورک^۲ به دنیا آمده است. خانواده اش از یهودیان اروپایی بوده اند و خود مدعی است پدرش در گتوی ورشو^۳ و اردوگاه آشویتس^۴ و مادرش در گتوی ورشو و اردوگاه مایدانک^۵، ظلم نازیها را تجربه کرده اند و همه اعضای خانواده پدری اش در کشتارهای جنگ جهانی دوم جان باخته اند (ص ۱۲). فینکلشتاین که - همانند بسیاری دیگر از یهودیان - پس از جنگ به همراه خانواده به امریکا مهاجرت کرده است، انگیزه شخصی را علت اصلی نگارش

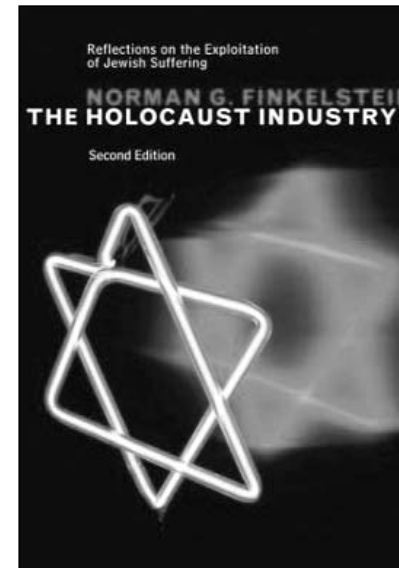


این کتاب ذکر کرده است (همان). او از اینکه خانواده اش رنجهایی کشیده اند و کسانی از آن سود می برند و از آن دستاویزی برای مقاصد خود ساخته اند، ناراضی است و قصد رسوا کردن این سود برندگان را دارد.

معرفی کتاب

کتاب صنعت هولوکاست شامل مقدمه، سه فصل و نتیجه گیری است، که عنوان فصول آن به ترتیب عبارت است از: ۱. بهره برداری از هولوکاست، ۲. فریبکاری، مزدوران و تاریخ، ۳. باج گیری مضاعف.

نویسنده در مقدمه به دلایل و انگیزه هایش از تألیف کتاب می پردازد. او در مقدمه پای بندی خود را به تفسیر و تلقی رسمی در مورد جنگ جهانی دوم ذکر می کند و تأکید می کند که هولوکاست را زیر سؤال نخواهد برد و حتی مدعی می شود که خانواده اش هم در این افسانه آسیب دیده اند، اما متذکر می شود که از نظر او سیاهپوستان آمریکا، ویتنامیها و فلسطینیها - مطابق باور مادر او - همگی



قربانی کشتار جمعی هستند و این امر به یهودیان جنگ جهانی دوم اختصاص نداشته است. در فصل اول که حجم کمی از کتاب را به خود اختصاص می دهد (صفحات ۱۶ تا ۴۷) نویسنده به شیوه مطرح شدن هولوکاست پس از جنگ جهانی دوم می پردازد. فینکلشتاین با استدلالهایی، حاوی اشکالاتی عدیده، مدعی می شود که گرایش به بزرگداشت هولوکاست برای بهره برداری از آن، صرفاً پس از جنگ شش روزه رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی اوج گرفت، زیرا یهودیان آمریکا پس از این جنگ بود که به ارزش رژیم صهیونیستی پی بردند و فهمیدند که باید از این رژیم حمایت کنند (ص ۳۷).

اما پیش فرض نادرست فینکلشتاین آن است که ایالات متحده و یهودیان آمریکا پیش از سال ۱۹۶۷م از اسرائیل حمایت نمی کرده اند. این در حالی است که یهودیان آمریکا و بویژه سازمانهای یهودی که فینکلشتاین بر آنها تأکید بیشتری دارد، همواره حامی رژیم صهیونیستی بوده اند. از سوی دیگر نویسنده در این فصل نشان می دهد که اکثر موزه ها و یادبودهای هولوکاست پس از این زمان در آمریکا و دیگر نقاط جهان ساخته شده است.

در فصل دوم، نویسنده ابتدا به طرح دو اصل مهم هولوکاست می پردازد که چارچوب نظری آن نزد یهودیان را تشکیل می دهد: ۱- یگانگی و منحصر به فرد بودن هولوکاست ۲- هولوکاست، اوج انزجار غیر منطقی و مداوم غیر یهودیان از یهودیان است (صص ۵۰ - ۴۹).

او در این فصل نشان می دهد که چگونه یهودیان بدین وسیله در حال استثمار اروپا از طریق انواع غرامت گیری و زورگیری هستند.

در کنار دو اصل مذکور اصل مجرم بودن همه غیر یهودیان در ماجرای هولوکاست نیز مورد اشاره قرار می گیرد (ص ۵۶) که مطابق آن یهودیان معتقدند که همه غیر یهودیان در گناه هولوکاست شریک و نسبت به آن مقصرند، چرا که گروهی از آنها یهودیان را کشتار کرده اند و گروهی دیگر با سکوت و بی اعتنائی، یهودیان را تنها گذاشته اند (همان).

پس از معرفی این اصول نظری، نویسنده انواعی از باج گیریها و سوء استفاده های یهودیان از هولوکاست را مطرح می سازد که از میان آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ورود هولوکاست به کتب درسی (ص ۶۲) و روزهای ملی آمریکا (ص ۷۵)

- حمایت از اسرائیل و جلب افکار عمومی به نفع آن کشور (ص ۷۷)

- نادیده گرفتن هرگونه جرم و جنایت دیگری در طول تاریخ در برابر هولوکاست (ص ۷۸)

مهم ترین نکته فصل دو معرفی برخی از کتابهای حامی هولوکاست شامل دروغ پردازیهایی در این باره و گروههای منتفع از آن است.

فصل سوم که قریب به ۷۰ صفحه از این کتاب کم حجم را به خود اختصاص داده است تحت عنوان باج گیری مضاعف، به منافع اقتصادی هولوکاست برای رژیم صهیونیستی و سازمانهای یهودی می پردازد. در این فصل فینکلشتاین نشان می دهد که چگونه یهودیان و سازمانهای صهیونیستی با استفاده از ابزارهای فشار و قدرت آمریکا از کشورهای مختلفی مانند آلمان، سوئیس، اتریش و... باج گیری می کنند و چگونه این پولها که به بهانه بازماندگان هولوکاست دریافت می شود، اکثراً صرف مقاصد سازمانهای صهیونیستی می گردد.

نویسنده در این فصل نشان می دهد که آلمان یک بار در اوایل دهه ۱۹۵۰م مجبور به پرداخت غرامت و کمک مالی و امکاناتی فراوان به رژیم صهیونیستی شد (صص ۹۷ - ۹۶) ولی در سالهای دهه ۱۹۹۰ راهها و روشهای جدیدی برای غرامت گیری از آلمان و دیگر کشورها اختراع شده است (ص ۱۳۰).

او نشان می دهد که غیر از خاخامها و رهبران برجسته یهودی (ص ۹۸)، دیگر یهودیانی که به ظاهر بازمانده هولوکاست هستند، از دریافت غرامت انفرادی محروم اند و این سرمایه های عظیم که تاکنون (زمان انتشار کتاب) فقط از آلمان ۶۰ میلیارد دلار دریافت شده است (ص ۹۶). در اختیار سازمانهای یهودی و در جهت مقاصد سیاسی آنها قرار می گیرد.

فینکلشتاین، صنعت هولوکاست را کسب و کاری نامشروع و اخاذی دانسته است (ص ۱۰۰) که نمونه بارز آن شیوه غرامت گیری حقه بازانه سازمانهای یهودی از بانکداران سوئیس،

به بهانه حسابهای راکد می باشد.

در انتهای این فصل نویسنده متذکر می شود که صنعت هولوکاست از سوی یهودیان، تازه آغاز به کار کرده است و بزودی باید شاهد اخاذیهای بیشتر آنان در همین زمینه باشیم (ص ۱۴۳).

نویسنده در بخش نتیجه گیری کتاب به مباحث فرهنگی و سوءاستفاده های یهودیان از هولوکاست در ترویج فرهنگ آن می پردازد و استانداردهای دوگانه آمریکا و حامیان هولوکاست در برخورد با جنایت علیه بشریت را مورد انتقاد قرار می دهد. او متذکر می شود که «یهودیان سازمان یافته امریکایی از کشتار جمعی [ادعایی] یهودیان به دست حزب نازی آلمان بهره گرفته اند تا انتقاد از اسرائیل و سیاستگذار بیهایش را که از نظر اخلاقی قابل دفاع نیست، از مسیر اصلی خود منحرف کنند.» (ص ۱۶۵)

نکاتی چند در مورد کتاب و نویسنده آن:

الف: گرایشهای ضد اسلامی نویسنده:

در حالی که ظاهراً نویسنده کتاب، مبعوض یهودیان است، چرا که سوءاستفاده های آنان از هولوکاست را برملا کرده است؛ اما در این کتاب شاهد بغض و ضدیت فینکلشتاین با مسلمانان عرب منطقه خاورمیانه بویژه همسایگان سرزمینهای اشغالی هستیم. او در این باره می نویسد: «اکنون یهودیان در صفوف مقدم جانبداری از آمریکا و در حقیقت از تمدن غرب در برابر قبایل رو به انحطاط اعراب قرار گرفتند.» (ص ۲۶)

او جنگجویان اسرائیل را سربازانی می داند که برای حفظ منافع آمریکا در برابر اعراب ایستاده اند که از نظر او دشمنان غرب و آمریکا محسوب می شوند.

از سوی دیگر فینکلشتاین در معرفی شدن اعراب به عنوان پیروان سیاسی هیتلر هیچ مشکلی نمی بیند (ص ۳۱) و معتقد است که یهودیان با شجاعت و اقتدار توانستند قبایل رو به انحطاط اعراب منطقه را به خاطر آمریکا شکست دهند در حالی که آمریکا خود از اسرائیل حمایت نمی کرد!

ب: حمایت نویسنده از رژیم صهیونیستی:

در حالی که رژیم صهیونیستی یکی از بزرگترین و یا شاید اصلی ترین نفع برنده از هولوکاست باشد که در افسانه سازیهایی از این دست مشارکت مستقیم داشته است، انتظار می رود که فینکلشتاین با این رژیم به مخالفت برخیزد و سوءاستفاده های این رژیم از هولوکاست را تقبیح نماید. اما نوک تیز پیکان را به سوی برخی سازمانهای یهودی بویژه یهودیان

آمریکا نشانه رفته است و سران یا مبلغان این سازمانها از سوی نویسنده رسوا می شوند، اما رژیم صهیونیستی نه تنها با انتقاداتی جدی رو به رو نمی شود، بلکه در جای جای کتاب از آن تقدیر هم به عمل می آید و از سازمانهای یهودیان آمریکا به بهانه عدم حمایت از اسرائیل پیش از جنگ شش روزه انتقاد می کند و حتی حمایت فعلی آنها از اسرائیل را نیز غیرصادقانه و منفعت طلبانه می خواند.

تنها انتقاد سریع و گذرا از رژیم صهیونیستی نادیده گرفتن و بی اهمیتی نسبت به رنجهای فلسطینیان به واسطه هولوکاست است. حال آنکه در عوض، صحنه سازیهای فراوانی به نفع رژیم صهیونیستی صورت می گیرد که گویی در جنگ ۱۹۴۸ یهودیان بی دفاع در



برابر جمعیت چندین برابری اعراب تنها رها شده بودند (ص ۳۰) و آمریکا نیز به آنها کمکی نکرد (ص ۳۱) و تنها رشادت، شیردلی و خطرپذیری یهودیان (!) توانست اعراب را شکست دهد. او از این جنگ و دیگر جنگهای یهودیان علیه اعراب، که مدعی است با عدم حمایت جهانی صورت گرفت - حال آنکه در همه آنها نه تنها فرانسه و انگلیس حامی اسرائیل بودند، بلکه از کمکهای نظامی و... شوروی و آمریکا نیز برخوردار بود - با عنوان «دلوریهای تابناک» و «صف آرای نظامی جسورانه و درخشان» یاد می کند.

اما علی رغم آنکه رژیم صهیونیستی بیشترین اخاذیها را از کشورهای اروپایی نموده، غرامتهایی را - به تعبیر نویسنده - به زور از کشورهایی مانند آلمان و... گرفته و بیشترین سهم را برده است، نویسنده کمتر به این رژیم حمله می کند و بیشتر به سازمانهای یهودیان آمریکا و یهودیان سازمان یافته امریکایی می پردازد.

ج: بی نظمی و سردرگمی کتاب:

کتاب فینکلشتاین ضمن پذیرش اصل هولوکاست بدون انتقادی در موضوع آن، و صرفاً پرداختن به سوءاستفاده های از آن، کتابی پرمحتوا و جدی است. حتی علی رغم حمایت نویسنده از رژیم صهیونیستی و نیز ضدیت او با اعراب مسلمان می توان ابراز داشت که محتوای

انتقادات او بر سوء استفاده‌ها از هولوکاست ، کم نظیر و بسیار قابل تأمل است . اما در این میان کتاب صنعت هولوکاست از ضعف سازماندهی در رنج است .

ضعف سازماندهی مطالب کتاب باعث شده است که نوعی سردرگمی و بی نظمی بر کل مطالب سایه افکند به طوری که خواننده هر چند در هر صفحه و فصل مطالبی جدید به دست می آورد ولی کتاب نمی تواند به او چارچوبی متقن و مستحکم برای دسته بندی مطالب ارائه شده بدهد. این ضعف در اثر ترجمه نه چندان قابل قبول ، تشدید شده است به نوعی که موضوعات کتاب چنان درهم تنیده شده اند که تصویری سازمان یافته از آن ، مشکل به دست می آید. به عبارت بهتر خواننده با مطالعه این کتاب با موارد متعددی از سوء استفاده های یهودیان و صهیونیستها از هولوکاست رو به رو می شود ، اما چارچوبی برای دسته بندی این سوء استفاده ها پیدا نمی کند.

نتیجه گیری :

در نتیجه گیری ارزیابانه از کتاب صنعت هولوکاست می توان ابراز داشت که کتاب حاضر هر چند ارزشمند است ، اما صرفاً به بخشی از سوء استفاده های هولوکاست پرداخته و به گروهی خاص از سوء استفاده کنندگان حمله کرده است . فینکلشتاین در این کتاب با سازمانهای یهودیان امریکا و یهودیان سازمان یافته امریکا در افتاده است که از نظر او درد و رنجهای یهود را به نفع خود استعمار می کنند. حال آنکه سوء استفاده از هولوکاست به این امر و این افراد محدود نمی شود. از این رو این نتیجه گیری دور از واقع نیست که کتاب حاضر محصول درگیری درون گروهی یهودیان و ستیز درونی آنها در نفع بری از هولوکاست است که فریاد فینکلشتاین را برآورده است . به عبارت بهتر فینکلشتاین در این کتاب ناخواسته پرده از ستیز درونی یهودیان بر سر نفع بردن از هولوکاست برمی دارد و البته او در این درگیری به جای محکوم کردن یهودیان مهاجر به سرزمینهای اشغالی فلسطین ، آنها را می ستاید و فقط به سازمانهای یهودی امریکا و یهودیان سازمان یافته امریکایی حمله می کند.

پانوشتها:

۱- این کتاب دوبار به زبان فارسی ترجمه شده است که ترجمه ای درخور نیستند. با این حال در معرفی حاضر ، همه ارجاعات به ترجمه سوسن سلیم زاده با مشخصات زیر صورت گرفته است . نورمن جی . فینکلشتاین ، صنعت یهودی سوزی ،

سوسن سلیم زاده ، تهران ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سازمان چاپ و انتشارات ، ۱۳۸۱ . از این رو از تکرار نام کتاب خودداری شده ، صرفاً شماره صفحه در داخل پرانتز ذکر می شود.

2. Brooklyn. N.Y.
- 3- Warsaw Ghetto.
- 4- Auschwitz.
- 5- Majdanek.
- 6- Depaul.
- 7- Verso.
- 8- Historical Revisionism.

(حاوی سیانور) انجام داده است و اولین بحثهای او در مورد هولوکاست به دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد.

مطابق بررسیهای لوختر، روش استفاده از گاز برای اعدام از سال ۱۹۲۴ در ایالات متحده مورد توجه قرار گرفته بوده است؛ اما تا سال ۱۹۸۸ که اولین ویراست کتاب لوختر منتشر شد، هنوز مشکلاتی فنی در این شیوه از اعدام وجود داشته که مهم‌ترین آنها خطر نشت گاز و آلودگی محیط پیرامونی بوده است.

لوختر اولین بار در جریان دادگاه ارنست زاندل^۵ به موضوع هولوکاست به صورت تخصصی وارد شد و از آن زمان تاکنون تحقیقات متعددی در مورد امکانات فنی بخشهای مختلفی از اردوگاههای آلمانی زمان جنگ انجام داده است.

اهمیت کتاب

از مهم‌ترین خصوصیات کتاب گزارشهای لوختر پرداختن به شکل کاملاً فنی و مهندسی اتاقهای گازی است که ادعای نسل‌کشی در مورد آنها وجود دارد. لوختر به عنوان یک متخصص فنی شایستگی و توان بررسی دقیق و جزئی‌نگر را در مورد اتاقهای گاز داشته است. بویژه اینکه او با سابقه طراحی اتاق گاز برای زندانهای آمریکا، تجربه فنی لازم برای این کار را اندوخته بود؛ بنابراین کتاب وی به لحاظ فنی از معتبرترین کتب بررسی اتاقهای گاز می‌باشد.

لوختر در کتاب خود به جزئیات درون اتاقهای گاز، مشخصات بیرونی و محیطی آنها، همچنین شرایط محیط زیست اطراف آنها پرداخته است و در این بررسی نهایت دقت و توجه به جزئیات را مدنظر قرار داده است. به عنوان مثال در بررسی اتاقهای گاز ادعایی اردوگاه مایدانک^۶، لوختر پنجره‌هایی در دیوار این اتاقکها شناسایی می‌کند که هیچ درپوشی برای آنها تعبیه نشده بوده است، از این رو استفاده از گاز خطرناک زیکلون ب در این اتاقکها غیرممکن بوده است چرا که نشت گاز از این پنجره‌های کوچک باعث کشتار همه افراد اطراف اتاقک (و آلمانیها) می‌شده است (ص ۱۰۳).

اهمیت دیگر این کتاب از آن جهت است که در این کتاب موضوع کشتار جمعی یهودیان نه به لحاظ تاریخی بلکه از منظر امکان فنی وقوع چنین عملیاتی در اتاقهای گاز ادعایی، مورد بررسی کارشناسانه قرار گرفته است. بدین ترتیب لوختر بحثی تاریخی در زمینه هولوکاست ارائه نمی‌کند، اما بررسیهای فنی او محال بودن چنین امری را به اثبات می‌رساند.

گزارشهای لوختر نویسنده: فرد ای لوختر

معرفی نویسنده

«فرد ای لوختر»^۱ نویسنده کتاب مشهور گزارشهای لوختر^۲، مهندس امریکایی و متولد ۱۹۴۲ است. تخصص اصلی لوختر طراحی سخت‌افزارهای اعدام برای زندانهای ایالات متحده آمریکا بود. یکی از عمده‌ترین پروژه‌های شغلی وی طراحی اتاق گاز در زندان ایالتی میسوری^۳ در شهر جفرسون^۴ بود. از این رو لوختر یکی از بهترین متخصصانی محسوب می‌شود که می‌توانند در مورد وضعیت فنی اتاقهای گاز ادعایی هولوکاست اظهار نظر کنند.

او به لحاظ تخصص فنی خود تحقیقات گسترده‌ای در مورد گازهای کشنده از جمله سیانید هیدروژن



معرفی کتاب

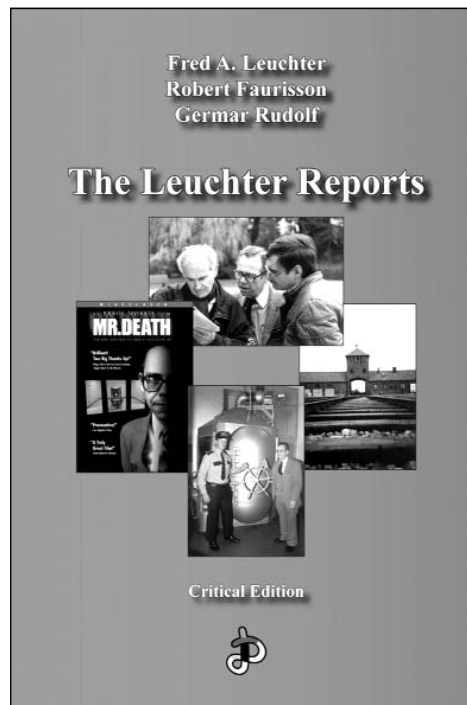
کتاب گزارشهای لوختر که اولین چاپ آن در سال ۱۹۸۸ و در جریان دادگاه ارنست زانند منتشر شد، کتابی است که سیر تحول و تکامل زیادی را پیموده است. اولین ویراست این کتاب تحقیقی نه چنان طولانی، اما بسیار دقیق و فنی در مورد اردوگاههای آشویتس^۷ و مایدانک بوده است؛ اما متنی که در سال ۲۰۰۵ به کوشش گرمار رادولف^۸ و با مقدمه‌ای از رابرت فوریسون از این کتاب منتشر شده است بسیار وسیع‌تر، جامع‌تر و غنی‌تر از متن اولیه ۱۹۸۸ می‌باشد.

گزارش اول

کتاب حاضر که دومین ویراست از مجموعه چهار گزارش لوختر می‌باشد، مشتمل بر چهار گزارش مفصل و دقیق است که هر یک از این گزارشها خود می‌تواند به عنوان کتابی مجزا در نظر گرفته شود. اولین گزارش لوختر در این کتاب شامل یک مقدمه از گرمار رادولف، مقدمه دیگری از پروفیسور فوریسون و متن اولین گزارش لوختر از اردوگاههای آشویتس و مایدانک می‌باشد. در اولین مقدمه این گزارش، گرمار رادولف به سابقه و چگونگی تألیف اولین گزارش لوختر می‌پردازد. او در این مقدمه بیان می‌دارد که محدودیت زمانی نگارش اولین گزارش لوختر (در سال ۱۹۸۸ و در جریان دادگاه زانند) باعث شد که این گزارش از کاستیهایی در زمینه تاریخی و تحلیل عمیق در موضوع گسترده کتاب رنج ببرد.

رادولف خاطر نشان می‌سازد که خود او به جای انتقاد از گزارش لوختر، در پی تألیف کتابی در همین زمینه بوده است که انتشار آن تا سال ۱۹۹۳ به طول انجامید اما کتاب تألیفی رادولف (تحت عنوان گزارش رادولف) چندان مورد استقبال قرار نگرفت. از این رو رادولف در اقدامی قابل تقدیر به همکاری با لوختر و تلاش برای تکمیل گزارش او و رفع کاستیهایی آن روی آورد. این اقدام رادولف باعث شده است که کتاب جدید به واسطه پاورقیهای غنی، عکسهای قابل توجه و طرحها و نقشه‌های دقیق از کاستیهایی قبلی زدوده شود. ضمن آنکه اصالت کتاب با دست نخورده ماندن متن ۱۹۸۸ آن کاملاً حفظ شده است.

پروفیسور فوریسون در مقدمه قابل تأملی که برای اولین گزارش لوختر نوشته است به تاریخچه کوتاهی از دادگاه زانند و چگونگی شکل‌گیری گزارش لوختر می‌پردازد. این مقدمه که در متن اصلی گزارش در سال ۱۹۸۸ منتشر شده و در سال ۲۰۰۵ مورد بازنگری فوریسون قرار گرفته است، شمه‌ای از سوابق لوختر را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. پس از مقدمه پروفیسور فوریسون و پیش از آغاز متن گزارش اول لوختر، گرمار رادولف در ویراست ۲۰۰۵ این کتاب، بخشی تحت عنوان «تاریخچه‌ای کوتاه از انتقادات صورت گرفته به گزارش لوختر» افزوده است. در



ادامه این بخش، اولین گزارش لوختر تحت عنوان «گزارشی مهندسی از اتاقهای ادعایی گاز اردوگاههای آشویتس (بیرکناو^۹) و مایدانک در لهستان» آمده است. این گزارش کاملاً آکادمیک و با رعایت گزارش نویسی فنی و مهندسی تهیه شده است. از این رو در این گزارش شاهد بخشهای: ۱- معرفی؛ ۲- هدف تحقیق؛ ۳- سابقه تحقیق؛ ۴- حیطه پژوهش؛ ۵- چکیده و یافته‌ها؛ و ۶- روش تحقیق، هستیم. در ادامه گزارش، لوختر به بررسی مهندسی و فنی شیوه کاربرد گازهای سیانید هیدروژن و زیکلون ب به عنوان گاز ضدعفونی کننده پرداخته است. لوختر در این بخش، اصول طراحی تأسیسات ضدعفونی با اصول طراحی کشتار از طریق

گاز را مقایسه می‌کند و در ادامه به اتاقهای گاز ایالات متحده در طول تاریخ آن می‌پردازد.

لوختر برای بررسی اتاقهای گاز اردوگاههای آشویتس و مایدانک به روند طراحی آنها و نیز رابطه این اتاقها با کوره‌ها پرداخته است. او سپس به بررسی آماری در این زمینه وارد می‌شود و در نهایت طی نتیجه‌گیری خود به صراحت اعلام می‌دارد که بررسیهای جامع او در مورد این اردوگاهها حاکی از آن است که هیچ اتاق گازی در این مکانها وجود نداشته است. این نتیجه‌گیری که امضای لوختر را در پنجم آوریل ۱۹۸۸ در پی دارد، خاطر نشان می‌سازد که مکانهایی که تحت عنوان اتاقهای گاز معرفی شده‌اند به هیچ وجه نمی‌توانسته‌اند چنین کارایی داشته باشند. در ادامه، اسناد و یافته‌های تحقیقی لوختر به عنوان ضمیمه به این گزارش پیوست شده است. به طور مثال در یکی از اسناد ضمیمه شده طریقه استفاده از گاز زیکلون ب به همراه مشخصات فنی و شیمیایی این گاز توضیح داده شده است که مربوط به همان سالهای جنگ می‌باشد.

در ادامه این فصل، گرمار رادولف به طور جزئی، دقیق و مفصل مشخصات فیزیکی، شیمیایی و سم‌شناسی گازهای سیانید هیدروژن و زیکلون ب را بررسی کرده و به تطبیق این

مشخصات با اتاقهایی می‌پردازد که ادعا می‌شود در آنها از این گونه گازها استفاده شده است، تا به وضوح نشان دهد که به هیچ وجه امکان استفاده از این گونه گازهای سمی در چنین اتاقهایی وجود نداشته است.

گزارش دوم:

گزارش دوم لوختر که با حجم بسیار کمتری نسبت به گزارش اول منتشر شده است نیز با مقدمه‌ای از سوی رابرت فوریسون آغاز می‌شود، این مقدمه که به ژولای ۱۹۸۰ باز می‌گردد، مفصل و شامل موضوعات مختلف است. فوریسون سابقه بحث از اتاقهای گاز پیش از دادگاه زاندل و پس از آن را بررسی می‌کند و به جایگاه دومین گزارش لوختر و بررسی اردوگاههای داخائو^{۱۱} و ماتهاوزن^{۱۱} در آن می‌پردازد. علاوه بر این دو اردوگاه مشهور، اردوگاه گم نام دیگری تحت عنوان هارثیم کسل^{۱۲} هم در این گزارش بررسی شده است. در پایان این مقدمه جالب توجه، فوریسون متذکر می‌شود که تا پایان دهه ۱۹۷۰ حامیان هولوکاست مدعی بودند که در وجود اتاقهای گاز و کشتار جمعی یهودیان در لهستان هیچ شکی وجود ندارد. از آن پس در اثر تحقیقات صورت گرفته آنها مجبور به اعتراف در مورد وجود بزرگ‌نماییهایی در این زمینه شدند اما از اواسط دهه ۸۰ و با فشار نویسندگان مکتب تاریخ حقیقی، تردیدی جدی در اصل وجود اتاقهای گاز در اردوگاههای لهستان بروز نمود و در اثر این تغییرات بود که حامیان هولوکاست رو به سرکوب جدی محققان آوردند. پس از مقدمه طولانی پروفیسور فوریسون، لوختر گزارش دوم خود را به شیوه گزارش اول و با طی همان مراحل آکادمیک مطرح می‌سازد. در این گزارش اردوگاههای داخائو، ماتهاوزن و هارثیم کسل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. لوختر در انتهای این گزارش می‌نویسد: «در همه بررسیهایی که این نویسنده در لهستان، آلمان و اتریش انجام داده است هیچ سخت‌افزاری یا ساختمانی که مشخصاً برای اتاق گاز ساخته شده باشد یافت نشد.» (ص ۱۴۳) در نتیجه گیری این گزارش، وی متذکر می‌شود که هیچ اتاق‌گازی در این سه اردوگاه نیافته است. در ادامه این گزارش اسناد و نقشه‌هایی از ساختمان اردوگاهها و محل قرار گرفتن اتاقهای گاز مورد ادعا، آورده شده است.

در تکمیل‌ای که فوریسون بر این گزارش نوشته است، به انتقادی که حامیان هولوکاست بر گزارش اول وارد نموده‌اند پاسخ داده است. بخش ضمیمه این گزارش توسط کارلوس دلبیو پرت^{۱۳} تهیه شده است که طی آن دروغ بافیهای حامیان هولوکاست در مورد اردوگاه داخائو به نحو مشروح مورد بحث قرار گرفته است. این دروغ بافیها از آن جهت بیشتر جلب توجه می‌کند که پس از ارائه گزارش دوم لوختر و تحقیقات دیگر محققان مکتب تاریخ حقیقی، حامیان

هولوکاست به صراحت اعتراف کردند که در اردوگاه داخائو کشتار جمعی صورت نگرفته است. حال آنکه در دروغ بافیهای قبلی خود که پرتو بخش مفصلی از آن را نقل می‌کند، صحنه‌های فراوانی را از کشتار جمعی به دروغ ساخته بودند. عکسهایی از اردوگاههای مورد بحث در این گزارش و دست‌کاریهایی که در ساختمان این اردوگاهها صورت گرفته است زینت بخش انتهای این گزارش است.

گزارش سوم:

گزارش سوم لوختر با عنوان «گزارشی فنی در مورد مشخصات اتاق گاز» می‌باشد که به بررسی و معرفی ویژگیهای ضروری یک اتاق گاز می‌پردازد. در ابتدا همانند دو گزارش قبل: ۱- مقدمه؛ ۲- هدف تحقیق؛ ۳- سابقه تحقیق؛ ۴- حیطه پژوهش؛ ۵- تاریخچه استفاده از اتاقهای گاز آورده شده است.

در این فصل مشخصه‌های لازم یک اتاق گاز برای استفاده در کشتار انسانها به بحث گذاشته شده است. در ادامه، لوختر کارکرد اتاقهای گاز اعدام را توضیح داده شاخصه‌های مورد نیاز آن را متذکر شده است. او طی مبحث دیگری به شاخصه‌های مورد نیاز برای طراحی یک اتاق گاز پرداخته در نهایت نشان داده است که هیچ یک از این نشانه‌ها در مورد اتاقهایی که ادعا می‌شود در آنها به وسیله گازهای سمی کشتار جمعی صورت گرفته است، وجود ندارد. او در نتیجه گیری این گزارش می‌نویسد فقط یک احمق می‌تواند تصمیم به کشتن افراد به وسیله گاز در چنین اتاقهایی بگیرد و البته یک احمق مرده؛ چرا که انتشار گاز در این اتاقها باعث کشته شدن همه افراد اطراف آن نیز می‌شود.

گزارش چهارم:

گزارش چهارم لوختر ارزیابی از کتاب یکی از مشهورترین حامیان هولوکاست، ژان کلود پرساک^{۱۴} می‌باشد. پرساک که در حمایت از هولوکاست آثار متعددی از خود به جا گذاشته است، در کتاب آشویتس: تکنیک و عملکرد اتاقهای گاز^{۱۵} مدعی شده است که طی یک بررسی فنی وجود اتاق گاز کشتار جمعی در آشویتس را مدلل نموده است حال آنکه گزارش چهارم لوختر با نقد جدی این کتاب نشان داده است که پرساک در این زمینه دچار اشتباهاتی فاحش شده است.

لوختر برای نقد این کتاب ابتدا به معرفی فصول مختلف آن می‌پردازد سپس اشکالات هر یک از فصول را به تفکیک بیان می‌دارد. او در نهایت متذکر می‌شود که پرساک علی‌رغم شواهد

جدی ای که علیه نظریه اش وجود دارد سعی به تغییر واقعیتها به نفع نظریه خود نموده است. لوختر در این زمینه می نویسد: «پرساک حجم وسیعی از شواهد را گرد هم آورده است اما شواهدی که هیچ کدام به تنهایی یا با یکدیگر نمی تواند وجود اتاقهای گاز را اثبات کند.» (ص ۲۲۸) وی در نتیجه بیان می دارد که «با توجه به جزییات طراحی و مشخصات اتاقهای گاز مورد ادعا و کوره ها می توان به طور قطع اعلام کرد که هیچ اتاق گازی وجود نداشته است.» (همان)

پانوشتها:

1. Fred A. Leuchter.
2. Leuchter Reports.
3. Missouri.
4. Jefferson.
5. Ernest Zundel.
6. Majdanek.
7. Auschwitz.
8. Germar Rudolf.
9. Birkenau.
10. Dachau.
11. Mauthausen.
12. Harthim castle.
13. Carlos W.Porter.
14. Jean – Claude Pressac.
15. Auschwitz: Technique and Operation of the Gas Chamber.

درسهایی در مورد هولوکاست

نویسنده: گرمار رادولف

معرفی نویسنده



گرمار رادولف از محققین برجسته و مشهور مکتب تاریخ حقیقی می باشد. رادولف آلمانی الاصل و ساکن ایالات متحده، صاحب آثار متعددی در زمینه بررسی جوانب مختلف افسانه هولوکاست است که برخی از آنها عبارت اند از:

The Rudolf Report, Expert Report about the formation and detectability of cyanide compounds in the Gas chambers of Auschwitz, Cromwell Press, London, July 1993.

120 PP.

Auschwitz Naked facts, A response to Jean – Claude pressac, Castel Hill Publishers, 1995, 176 PP.

the Holocaust, the Growing Critique of "Truth" and "Memory", Holocaust

Hand Book Vol, 1. Theses and Dissertation Press, Capshaw, Al, August 2000, 608 Dissecting PP.

Auschwitz lies, Legend, Lies, and Prejudices on the Holocaust, Castel Hill Publishers, 400 PP.

اهمیت کتاب

کتاب در سهایی در مورد هولوکاست در حقیقت ویراست جدیدی از کتاب قبلی وی با عنوان سخنرانیهای رادولف است. این کتاب که از جمله غنی ترین کتب منتشر شده اخیر در رد افسانه هولوکاست محسوب می شود با افزودن جدیدترین دستاوردهای بررسیهای فنی - تاریخی به چاپ قبلی کتاب، اثری جامع در زمینه هولوکاست ارائه کرده است.

در این کتاب به مجموعه کاملی از سئوالات مربوط به هولوکاست و بررسی مجدد آن از سوی محققان مکتب تاریخ حقیقی پاسخ داده شده است و در زمینه ارجاع به منابع حامیان هولوکاست و استفاده از آنها در رد این افسانه، در زمره دقیق ترین کتب موجود است.

نویسنده کتاب که از سال ۱۹۹۲ تاکنون سخن رانیهای متعددی در بررسی جوانب مختلف افسانه هولوکاست ارائه کرده است این کتاب را جمع بندی و ویراست شده آن سخن رانیها می داند. از این رو عنوان کتاب خود را Lectures on the Holocaust برگزیده است که می توان آن را سخن رانیهایی در مورد هولوکاست و یا در سهایی در مورد هولوکاست خواند و گویی نویسنده به هر دو این معانی توجه داشته است. اما باید متذکر شد که متن کتاب حاضر صرفاً پیاده شده سخن رانیهای مذکور نیست، بلکه تلاشهای نویسنده برای جامع نمودن این کتاب در نقد هولوکاست و رد شبهات موجود در مورد مکتب تاریخ حقیقی، فصول آن را کاملاً متفاوت از سخن رانی کرده است. حال آنکه فصول مختلف کتاب به حالت پرسش و پاسخ تنظیم شده است.

معرفی کتاب

کتاب درس هایی در مورد هولوکاست^۱ اثر «گرمار رادولف» از جمله جدیدترین کتب جامع در بررسی و نقد افسانه هولوکاست است که در آگوست ۲۰۰۵ از سوی انتشارات کاسل هیل در شیکاگوی ایالت متحده منتشر شده است.

این کتاب که به صورت پرسش و پاسخهای جذاب و جامع تهیه شده، با متن روان و محتوای دقیق آن از جمله بهترین کتابهایی است که می توان آن را به خوانندگان عمومی معرفی کرد. چرا

معرفی کتاب

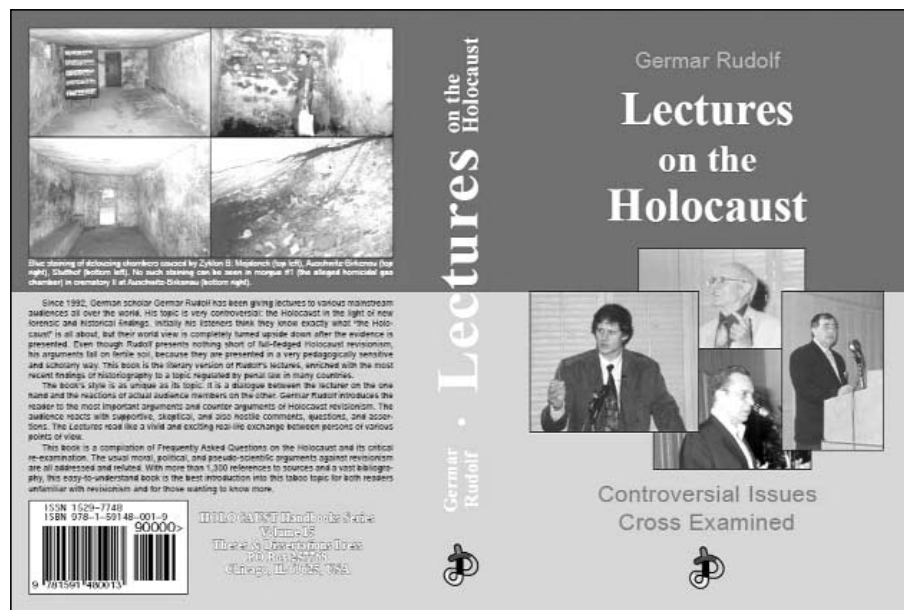
که تقریباً به همه سئوالات عمومی مطرح در مورد هولوکاست و دلایل رد آن پرداخته در عین حال رعایت جذابیت و دقت را در کنار هم پی گیری کرده است.

ترجمه این اثر به زبان فارسی جبران کننده بخش مهمی از خلاء موجود در این باره نزد فارسی زبانان است.

کتاب در سهایی در مورد هولوکاست از یک مقدمه، پنج درس و چند ضمیمه تشکیل شده است که نویسنده در هر فصل، از یک جنبه به ماجرای هولوکاست می پردازد.

نویسنده مقدمه کوتاه خود بر این کتاب حجیم را با این نقل قول از رئیس جمهور فدرال آلمان، هورست کوهلر، در ششمین سالگرد آزادسازی اردوگاه آشویتس آغاز می کند که «قبول مسئولیت گناهکار بودن در قبال هولوکاست (شواهد) بخشی از هویت آلمان است.» او این نقل قول را با نقل قولهای مشابهی از صدراعظم آلمان، گرهارد شرودر، و رئیس جمهور فدرال اتریش، هینز فیشر، مورد تأکید قرار می دهد.

نویسنده در ادامه خاطر نشان می کند که در حال حاضر هولوکاست از طرق بسیار متفاوت و متعددی از جمله موزه ها، یادبودها، روزهای یادبود، سخن رانیها، کتابها، فصل نامه ها، روزنامه ها، کنفرانسها، واحدهای درسی دانشگاهی، فیلمهای مستند و داستانی و حتی قوانین جزایی مورد حمایت و تبلیغ قرار می گیرد (صص ۱۰ - ۹).



از این رو نویسنده معتقد است که هر شهروند غربی باید بپذیرد که هولوکاست جزو مهم ترین موضوعات تاریخی است، چرا که تا این حد روی آن تأکید می شود و از این رو شایسته است که هر کس به بررسی این موضوع مهم دست بزند و در تلاش برای بررسی صحت و سقم آن برآید. فصل اول کتاب تحت عنوان «غذا برای فکر» تنظیم شده است. در این فصل نویسنده طی پرسش و پاسخ برنامه ریزی شده ای مقدمات بحث از هولوکاست و بازنگری تاریخی در مورد آن را مطرح می سازد. او در این فصل بحث خود را با مثالی از فعالیتهای فرهنگی و رسانه ای حامیان هولوکاست در ترویج آن آغاز می کند (ص ۱۵) و آن گاه به بررسی معنای هولوکاست (ص ۱۸) و سابقه تبلیغ آن در غرب می پردازد. در همین فصل نویسنده با اشاره به چند سند، برخی از این اسناد را ارائه می نماید که مطابق آن در سال ۱۹۴۲ م روزنامه های یهودی - امریکایی از کشتار پنج تا هفت میلیون یهودی در اروپا و یا در خطر بودن جان این عده سخن می گفته اند (ص ۲۱)؛ این در حالی است که همین روزنامه ها و همین یهودیان امریکا در دوران جنگ جهانی اول و سالهای پس از آن نیز در مورد کشتار و یا خطر کشتار تقریباً همین تعداد یهودی سخن می گفته اند (صص ۲۳ - ۲۲).

در مورد مباحث مطرح شده در این فصل باید به این نکته توجه داشت که نویسنده با استفاده از سابقه ده ها سخن رانی خود در این زمینه و جمع آوری سؤالات مخاطبان کوشیده است تا مباحث را هر چه بهتر و روان تر مطرح سازد و تا حد ممکن به همه سؤالات مختلف و مورد نظر مخاطب پاسخ گوید.

در ادامه این فصل نویسنده به نقش تبلیغات زمان جنگ متفقین علیه آلمان در شکل گیری افسانه هولوکاست اشاره می کند و به مواردی از جنایات دروغین اشاره می کند که در زمان جنگ به آلمانیها نسبت داده شد و اکنون خلاف بودن آن اثبات شده است (ص ۲۷).

در ذیل بحث از عدد ادعایی شش میلیون کشته شده، با بررسی دقیق میزان واقعی کشته شدگان و مردگان یهودی در اردوگاههای مختلف، نشان می دهد که ادعای هولوکاست از دو جهت دچار اشکال اساسی است. اول آنکه سیاستی مبنی بر کشتار عمدی یهودیان در کار نبوده است و دیگر آنکه عدد واقعی قربانیان یهودی جنگ جهانی دوم بسیار کمتر از پانصد هزار نفر یعنی در حدود سیصد هزار نفر بوده است (ص ۴۰). او در ادامه به بازماندگان هولوکاست می پردازد و تعداد بازماندگان ادعایی فعلی هولوکاست را بسیار اغراق آمیز دانسته نشان می دهد که این افزایش بازماندگان ادعایی هولوکاست کاملاً با بحث غرامت گیری و سودجویی از هولوکاست مرتبط است (صص ۴۴ - ۴۳).

شایان ذکر است که نویسنده در انتهای این فصل مجموعه ای از اسناد را در زمینه مطالب مطرح

شده ارائه می کند و این اقدام را در انتهای فصلهای بعدی نیز تکرار کرده است.

فصل دوم کتاب در سهایی در مورد هولوکاست تحت عنوان بحثها و جدلهای عمومی تنظیم شده است. در این فصل، نویسنده بحثهای متنوع مرتبط با هولوکاست را مطرح و در مورد آنها به پرسش و پاسخ می پردازد. برخی از این مباحث عبارت اند از: رابطه تبلیغات هولوکاست با کمونیستها و یهودیان چپ گرا، اتاقهای گاز در آلمان نازی، اتاقهای گاز دروغین در اردوگاه داخائو و ...

رادولف در این بخش حتی به جریان چگونگی به تحریر درآمدن کتاب مشهور بزرگ ترین فریب قرن بیستم اثر پروفیسور بوتز اشاره می کند و به معرفی این کتاب می پردازد (صص ۸۲ - ۸۰). او در ادامه این فصل به بررسی آرای اندیشمندان دیگری می پردازد که به رد هولوکاست پرداخته اند و از اندیشمندانی چون راسینی، فورسون و ... یاد می کند (ص ۸۵). او بخش مفصلی را به معرفی گزارش لوختر اختصاص می دهد. (صص ۹۱ - ۸۶).

در بخش دیگری از این فصل، رادولف به دروغ پردازیهای قدیمی حامیان هولوکاست در مورد صابون سازی از چربی یهودیان و لامپ ساختن از پوست آنها می پردازد و نشان می دهد که چگونه این ادعاها که اکنون همه به دروغ بودن آنها معترف اند، روزی از سوی حامیان هولوکاست مورد سوءاستفاده قرار می گرفته است (ص ۹۸).

از بخشهای مورد توجه این فصل، ارزیابی و معرفی نویسنده در مورد کتاب صنعت هولوکاست، اثر پروفیسور فینکلشتاین است. او در این ارزیابی اعلام می کند که هر چند فینکلشتاین در بررسی سوءاستفاده های مالی یهودیان از هولوکاست موفق بوده است، اما نمی توان او را یک متخصص هولوکاست محسوب کرد (ص ۱۶۲).

او این فصل طولانی را که در حقیقت بررسی بسیاری از مهم ترین تحقیقات صورت گرفته در مورد هولوکاست است با بحثی حول ابهام فزاینده هولوکاست به پایان می برد. نویسنده در این بحث نشان می دهد که چگونه تبلیغات بی محتوا و فریبنده حامیان رسانه ای هولوکاست باعث مبهم تر شدن و سردرگم تر شدن آن شده است (ص ۱۷۳).

فصل سوم کتاب رادولف به شواهد مادی و اسناد رد هولوکاست می پردازد. در این فصل نویسنده می کوشد تا اسناد نادرست یهودیان مدعی هولوکاست را که از نظر آنان هولوکاست را اثبات می کند برملا سازد. از این رو در این فصل، ابتدا به بحثی در مورد چپستی و ارزش شواهد فیزیکی و اسناد می پردازد و پس از آن ادعای «راه حل نهایی» مورد نظر حامیان هولوکاست را رد می کند. او در این بخش نشان می دهد که راه حل نهایی مسئله یهودیان از نظر رژیم نازی، اخراج همه آنها از قلمرو آلمان و مهاجرت اجباری ایشان بوده است و نه کشتار یهودیان (صص ۱۹۵ -

در ادامه این فصل رادولف به چند مورد از اردوگاههای مشهوری می‌پردازد که حامیان هولوکاست در مورد آنها ادعای کشتار جمعی یهودیان را مطرح می‌کنند و از این رو به بررسی جزئی و دقیق اردوگاههای آشویتس، تربلینکا، بلزک، سابی بور، مایدانک و چلمنوی می‌پردازد. در این فصل نویسنده می‌کوشد تا پرسش و پاسخهای جذاب خود را بر مهم‌ترین ادعاهای مطرح در مورد هر یک از اردوگاه‌ها به طور مجزا متمرکز سازد.

فصل چهارم کتاب رادولف به بخشی خواندنی و جذاب از افسانه هولوکاست اختصاص دارد و آن بحث از شهادتهای دروغ حامیان هولوکاست و اعترافات است که به زور از مقامات و افسران آلمانی گرفته شده است. در این فصل طولانی با فهرستی طویل از اسامی مشهورترین شاهدان حامی هولوکاست و معروف‌ترین اعترافات صورت گرفته در این زمینه روبه‌رو می‌شویم که رادولف با حوصله و دقتی که ویژگی آثار اوست به بررسی آنها و نشان دادن غیرواقعی بودن این شهادتها و اعترافات می‌پردازد.

رادولف پیش از بررسی تک تک شاهدان و اعتراف کنندگان و محتوای مطالب آنها، به بحثی کلی در مورد علت شهادتهای دروغ و اعترافات نابه جا می‌پردازد و دادگاههای مختلفی را بررسی می‌کند که این شهادتها در برابر آنها صورت گرفته است.

او با بررسی این شهادتها و اعترافات عنوان «کلکسیون از دروغ» را برای آنها به کار می‌برد. در میان این کلکسیون دروغ، او به دروغهای الی ویزل از حامیان معروف هولوکاست نیز ارجاع می‌دهد که مدعی شده است در اردوگاه آشویتس همه یهودیان را نه از طریق اتاق گاز، بلکه زنده زنده در آتش می‌سوزاندند (ص ۴۶۹)؛ ادعایی که هیچ کس دیگری غیر از ویزل آن را مطرح نکرده و از آن حمایت نمی‌کند.

در بخشهای پایانی این فصل، نویسنده ذیل مبحثی با عنوان «اپرا در حین هولوکاست» به این نکته ظریف اشاره می‌کند که اردوگاه آشویتس علاوه بر دیگر امکانات شامل یک سالن برگزاری اپرا نیز بوده که شواهد تاریخی حاکی از فعال بودن این سالن و برگزاری مراسم در طول سالهای جنگ می‌باشد. بنابراین یا باید ادعاهای رسمی حامیان هولوکاست را در این باره رد کرد، یا باید آن قدر احمق بود که پذیرفت نازیها از یک سو یهودیان را با گاز خفه کرده، می‌سوزانده‌اند و از سوی دیگر برای آنها امکان برگزاری اپرا فراهم می‌کرده‌اند. شایان ذکر است که پیش از این محققانی چون فوریسون در مورد وجود بیمارستانی فعال در آشویتس و مغایرت آن با ادعای حامیان هولوکاست مطالبی را بیان کرده بودند.

فصل پنجم کتاب در سهایی در مورد هولوکاست به موضوع علم و آزادی می‌پردازد. در این

فصل که نسبت به دیگر فصول این کتاب حجم مختصری را به خود اختصاص داده است موضوع علم و آزادی در تحقیقات علمی مورد توجه قرار گرفته است و نویسنده به انتقاد از مشکلاتی می‌پردازد که برای منتقدان هولوکاست ایجاد می‌شود. او تحت عناوینی چون «شبه علم»، «خسونت»، «سانسور»، «آگاهی عمومی» و... به بررسی نحوه عملکرد حامیان هولوکاست در برابر منتقدان آن می‌پردازد و روش خسونت بار و مبتنی بر محاکمه و استفاده از دستگاه قضا برای سرکوب محققان را تشریح و محکوم می‌کند.

بخش ضمیمه این کتاب حاوی اطلاعات مفیدی برای درک هر چه بهتر مطالب کتاب است که یک مورد آن تحقیقی در مورد سازمان اس. اس (SS) در آلمان هیتلری و درجات و مراتب آن با مقایسه آنها با ارتش امریکا است. نویسنده در این جا به اختصار، هر مقام و رتبه اس اس را با معرفی معادل آن درجه در ارتش امریکا معرفی می‌نماید.

علاوه بر این، کتاب حاوی کتاب‌شناسی کاملاً دقیق و یا به عبارتی منبع‌شناسی در مورد موضوع کتاب است که می‌تواند برای محققان مفید باشد.

پانویس:

1- Lectures on the Holocaust.

خود اتاقهای گاز را دیده باشد؛ بویژه به کثرت مدارک ادعایی در این مورد واقعی نمی گذاشتم. به حتی یک مدرک، فقط یک مدرک راضی بودم؛ اما همین یک مدرک را نیافتم. در مقابل آنچه یافتم تعداد بی شماری مدارک معمول بود.» (ص ۱۰) پروفیسور فوریسون اولین بار در سال ۱۹۷۸ طی سلسله مقالاتی در نشریه لوموند درباره این موضوع به افشاگری پرداخت. او تاکنون چندین کتاب و ده ها مقاله معتبر و مستند در این خصوص تدوین و چاپ کرده است. از پروفیسور فوریسون تاکنون آثار فراوانی به زبان فرانسه و انگلیسی منتشر شده است که برخی از آن عبارتند از:

The Gas Chambers Truth or lie? The Journal of Historical Review, Vol. 2, No. 4

(Winter, 1981), P. 319.

171. Is the Diary of Anne Frank Genuine?, The Journal of Historical Review,

Vol. 3, No. 2, (Summer 1982), P.

Revisionism on trial: Development in France, The Journal of Historical Review,

Vol. 7, No. 2, (Summer 1985), P. 133.

The End of a myth, The Journal of Historical Review, Vol.8, No. 3 (Fall 1988), P. 376.

A Revised Preface to Auschwitz: A Judge look at the evidence, The Journal of Historical Review, Vol. 10, No. 3, (Fall 1990), P. 261.

و دهها مقاله و کتاب دیگر.

پروفیسور فوریسون بعد از چاپ مقالات خود در روزنامه لوموند به اتهام تحریف عمدی تاریخ به دادگاه احضار شد. او تاکنون بارها و بارها به دادگاه رفته همواره از سوی سازمانهای یهودی مورد حمله تبلیغاتی و فیزیکی قرار گرفته است.

اهمیت کتاب

کتاب اتاقهای گاز در جنگ جهانی دوم؛ واقعیت یا افسانه نوشته پروفیسور فوریسون از آن جهت که مملو از اسناد و مدارک است اهمیت ویژه ای در بین کتابهای مکتب تاریخ حقیقی پیدا کرده است. حدود ۶۰ درصد حجم این کتاب را اسناد و مدارک تشکیل می دهند و به همین خاطر تبدیل به کتابی مستند شده است. از منظر دیگر، پروفیسور فوریسون در این کتاب با نگاه دقیق و موشکافانه ای تمام جزئیات را در مورد یادداشتهای دکتر کرم بررسی کرده است. کرم مدتی به عنوان پزشک در اردوگاه آشویتس خدمت می کرده است. نویسنده از این یادداشتهای به عنوان سند اصلی مورد بحث خود برای اثبات دروغ بودن ماجرای اتاقهای گاز و کشتار جمعی

اتاقهای گاز در جنگ جهانی دوم؛ واقعیت یا افسانه

نویسنده: پروفیسور فوریسون

معرفی نویسنده



پروفیسور رابرت فوریسون، نویسنده کتاب اتاقهای گاز در جنگ جهانی دوم؛ واقعیت یا افسانه به سال ۱۹۲۹ م در فرانسه به دنیا آمده از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۹۹ استاد دانشگاه لیون فرانسه بوده است. او معتقد است که افسانه اتاقهای گاز و نسل کشی یهودیان ساخته و پرداخته سازمانهای یهودی است که به دنبال اهداف و اغراض کاملاً سیاسی و اقتصادی چنین دست به افسانه سازی زده اند. پروفیسور فوریسون خود می گوید: «من تا سال ۱۹۶۰ به واقعیت کشتار بزرگ در اتاقهای گاز اعتقاد داشتم. پس از مطالعه کتابهای پل راسینیبه^۲ دچار شک و تردید شدم. پس

از چهارده سال تفکر شخصی و آن گاه چهار سال تحقیق خستگی ناپذیر، اطمینان یافتم که با یک دروغ تاریخی مواجه هستم... سالها، به دنبال فقط یک بازمانده از بازماندگان جنگ بودم که به چشم

یهودیان بهره برده است. همچنین از آن جهت که این کتاب در پاسخ به مورخان و مدافعان هولوکاست نوشته شده است و از طرف مقابل به جای جواب منطقی، علمی و مستند با حملات تبلیغاتی و فیزیکی و پیگرد قضایی به دلیل اتهام تحریف عمدی تاریخ رو به رو شده است، نشان دهنده قوت استنادات و مدارک مورد استفاده و تحلیلهای تاریخی صورت گرفته توسط پروفسور فوریسون می باشد.

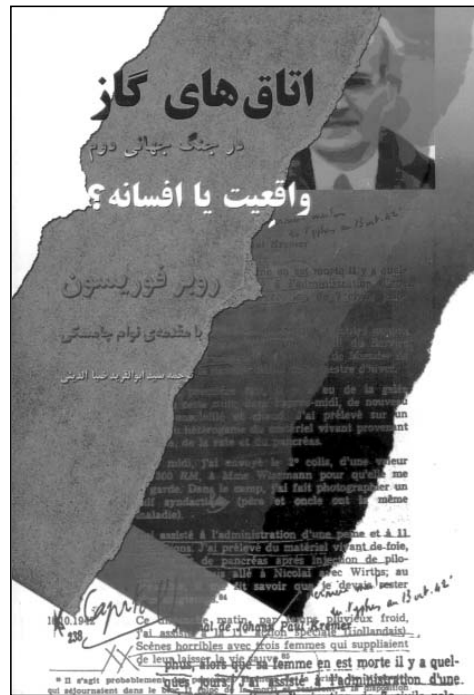
معرفی کتاب

کتاب اتاقهای گاز در جنگ جهانی دوم؛ واقعیت یا افسانه؟^{۱۹} را «پروفسور رابرت فوریسون» در ۱۹۷۹م به رشته تحریر درآورد و در ۱۹۸۰م در فرانسه به چاپ رسید. پروفسور فوریسون بعد از آنکه در ۱۹۷۸ در روزنامه لوموند برای اولین بار به افشاگری در مورد افسانه هولوکاست و کشتارهای جمعی در اتاقهای گاز پرداخت و به جمع محققین تاریخی مکتب تاریخ حقیقی پیوست، به اتهام تحریف عمدی تاریخ به دادگاه احضار شد. او به همین دلیل اقدام به جمع آوری استنادات و مدارک خود کرد و به آنها نظام بخشید تا به دادگاه ارائه کند. اما قبل از آن، آنها را در قالب کتاب حاضر، انتشار داد. این کتاب در سال ۱۳۸۱ش با ترجمه آقای سید ابوالفرید ضیاءالدینی و با نام اتاقهای گاز در جنگ جهانی دوم؛ واقعیت یا افسانه توسط انتشارات «مؤسسه فرهنگی پژوهشی ضیاء اندیشه» به چاپ رسید. نسخه فارسی شامل یک مقدمه بلند از دکتر نوام چامسکی در مورد این کتاب، پروفسور فوریسون و هولوکاست است. سپس مقاله ای از نوام چامسکی و به دنبال آن متن اصلی کتاب با مقدمه نویسنده آغاز می شود. بخش اول این کتاب در ۶۳ صفحه شامل بررسی وجود اتاقهای گاز با توجه به یادداشتهای دکتر کرمر و بخش دوم در ۱۶۱ صفحه شامل اسناد ضمیمه می باشد. در مجموع نسخه فارسی آن ۲۹۲ صفحه می باشد.

بخش اول:

در بخش اول کتاب، یادداشتهای دکتر کرمر به عنوان سند اصلی و پایه کار قرار گرفته است. ابتدا یادداشتهای کرمر در ماههای سپتامبر و اکتبر مورد بررسی قرار می گیرد و هم زمان با آنها تقویم وقایع «دفتر آشویتس» هم بررسی می شود تا مشخص گردد که ورود دکتر کرمر به اردوگاه دقیقاً هم زمان با اوج گرفتن اپیدمی تیفوس در اردوگاه بوده است. دکتر کرمر در تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۴۲ یعنی اواسط تابستان به مدت ۸۱ روز به اردوگاه آشویتس منتقل گردیده است تا به جای پزشک قبلی در بیمارستان اردوگاه خدمت کند. در ضمن اشاره می شود که شهر

آشویتس هم از تیفوس در امان نبوده است و در شهر ساکنان برخی کوچه ها در اثر بیماری معروف به آشویتس به طور کلی نابود شده بودند. سپس پروفسور فوریسون با اشاره به یادداشت مورخ ۲ سپتامبر ۱۹۴۲ دکتر کرمر که در آن از کلمه جهنم دانه استفاده کرده است و ژولوز ۳ آن را به معنی صحنه های کشتار جمعی انسانها دانسته است ضمن مقایسه با متن اصلی یادداشت، به بررسی تحریفات ژولوز در نقل مطالب این یادداشت می پردازد و سپس متن را به طور صحیح نقل می کند. آن گاه به بررسی صفات انسانی دکتر کرمر می پردازد و اینکه او آزادی بیان خوبی دارد و تمام جزئیات را یادداشت می کرده است؛ در ضمن فردی



حساس بوده است و در محل خدمت خود هم به عنوان یک نازی متعصب شناخته نمی شده است. به همین خاطر اگر کشتار جمعی انسانها در اتاقهای گاز اتفاق افتاده بود او حتماً جزئیات آن را هم به صراحت می نوشت در حالی که حتی علائمی از کنایه گویی نیز در کلام او نیست. در ادامه هم دلایل پروفسور فوریسون بیان می گردد مبنی بر اینکه این عبارت مربوط به بیماری تیفوس بوده است.

یادداشت کرمر مورخ ۱۲ اکتبر ۱۹۴۲ به روایت متن اصلی آورده می شود و سپس با گفته ژولوز مقایسه می شود که نشان دهنده تحریفات صورت گرفته در متن یادداشت ژولوز می باشد. سپس پروفسور فوریسون وارد «اعترافات» دکتر کرمر در برابر قضات استالینی می شود. او می گوید به دو دلیل کلمه اعترافات را داخل گیومه قرار داده ام. نخست آنکه اظهارات وی از سوی مخالفان تحت این عنوان نامیده می شود و دوم اینکه من هم هیچ گاه برای این گونه گفته ها درباره «اتاقهای گاز» ادعایی، کمترین اعتباری قایل نیستم (ص ۹۷). اما قبل از وارد شدن به متن «اعترافات»، پروفسور فوریسون تناقضات موجود در اعترافات دیگران از جمله شواتز هوبر^۴ را مورد بررسی قرار می دهد آن گاه وارد اعترافات دکتر کرمر در دادگاه لهستانی -

استالینی می شود. پروفسور فوریسون نتیجه می گیرد که دکتر کرمر هیچ چیزی را به چشم خود ندیده است و بسیار مبهم صحبت کرده است و پلیس لهستان در متن اصلی و در اردوگاه و در دفاتر آشویتس دست برده اند. سپس پروفسور فوریسون در جواب ژولوز که می گوید: هس و کرمر بدون هماهنگی قبلی به یک گونه اعتراف کرده اند، تأکید می کند که اعترافات هس و کرمر هر دو توسط یان زهن^۵ باز پرس لهستانی مسئول پرونده آنها به دست آمده است. بنابراین تعجبی ندارد که کرمر و هس همان درس مشترکی را که از زندانبانان کمونیست خود گرفته اند تکرار کرده باشند (ص ۱۰۶).

بعد از آن کتاب به دادگاه مونستر ۱۹۶۰ م می پردازد. در اینجا پروفسور فوریسون تنها به ذکر نکاتی بسیار جالب و درخور توجه اکتفا می کند و تناقضات و فریب کاریهای صورت گرفته را به اختصار بیان می دارد. دادگاه در دو نوبت ادعای او را به مثابه اصرار بر جنایت دانسته بود: ابتدا در ۱۹۶۰ در مونستر زمانی که دکتر ۷۷ ساله بود، سپس در ۸۱ سالگی دکتر در ۱۹۶۴ در فرانکفورت. از این رو دکتر مجبور بود آنچه را که به او نسبت می دادند، تکذیب نکند. در آخر بخش اول کتاب، تحریفات صورت گرفته در متن اصلی و زمینه وقوع حوادثی را تحلیل می کند که از سوی ژولوز برای متهم کردن پروفسور فوریسون در روزنامه لوموند صورت داده است.

بخش دوم:

بخش دوم کتاب شامل اسناد ضمیمه ای است که با بحثهای تاریخی روزنامه لوموند فرانسه در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ بین پروفسور فوریسون و ژولوز و دیگر هم فکرائش آغاز می شود. سپس با بحث پیرامون دکتر یوهان پل کرمر ادامه می یابد. در این قسمت، ابتدا مآخذشناسی اسناد و دفاتر به جای مانده از دکتر کرمر صورت می گیرد. سپس زندگی نامه دکتر پل یوهان کرمر به طور خلاصه نقل شده است. در سند ضمیمه شماره ۸ مواردی که توسط آقای ژولوز از سند یادداشت مورخ ۲ سپتامبر ۱۹۴۲ دکتر کرمر حذف شده اند مشخص شده توضیح مختصری در این باره ارائه می گردد. در سند شماره ۹ تحریفات متعددی که قبل از آقای ژولوز در این مورد صورت گرفته است همراه با مکان و تاریخ تحریف و نمونه هایی از تحریفات صورت گرفته آورده شده است.

بخش سوم:

در قسمت سوم اسناد ضمیمه عدم امکان وجود اتاقهای گاز از لحاظ علمی و فیزیکی در اردوگاه آشویتس با اسناد و مدارک اثبات می گردد. در سند شماره ۱۲ آنجایی که رودولف

هس، فرمانده اردوگاه آشویتس عنوان می سازد که مأموران هنگام تخلیه اجساد از درون اتاقهای گاز سیگار می کشیدند یا چیزی می خوردند این سؤال اساسی را مطرح می سازد که چگونه کماندوهای ویژه بدون ماسک ضدگاز، وارد اتاقهای گاز اشباع شده از اسید سیانیدریک می شدند. در نهایت نتیجه می گیرد که گاز زیگلون ب، با آن حد از کشندگی و سمی بودن که انسانهای انبوهی را در درون اتاقهای گاز می کشته بلافاصله با روشن کردن دستگاه تهویه و باز شدن در، اثر سمی خود را از دست می داده است به طوری که افرادی بدون هیچ گونه احتیاط خاصی با بی رحمی تمام مبادرت به تخلیه جنازه ها از درون اتاقهای گاز می نمودند. در ادامه قسمتهایی از یک بروشور تبلیغاتی نقل شده است که در آن طرز استفاده از زیگلون برای نابودی حشرات را بیان کرده است که حاوی نکات بسیار جالبی است. به طور مثال در بخش ۱۴ این بروشور آمده است مکانی که گاز در آن پخش شده است تا ۲۱ ساعت بعد از شروع تهویه قابل استفاده نیست. لازم به ذکر است که این بروشور در تاریخ ۲۱ اوت ۱۹۴۷ توسط متفقین به عنوان سند ثبت شده است (صص ۱۸۵ - ۱۸۴). در سند ضمیمه شماره ۱۳ این سند به طور کامل آمده است.

بخش چهارم:

قسمت چهارم، اسنادی را ارائه می دهد که لزوم تجدیدنظر در مواضع رسمی سال ۱۹۶۰ م را می رساند. در سند ضمیمه شماره ۱۴ عدم وقوع کشتار با گاز در اردوگاه داخائو مورد بررسی قرار می گیرد. در پایان این سند به اعتراف دکتر مارتین پروتزات از اینستیتو تاریخ معاصر مونیخ اشاره شده است که در آن بر عدم وجود کشتار با گاز در اردوگاههای داخائو، برگن - بلسن و بوخنوالد تأکید می گردد. سند شماره ۱۵ نمونه ای از شهادتهای دروغین و افسانه سربایهایی در مورد اتاقهای گاز است.

در این سند مرجع شهادت کشیش هنوک^۶ می باشد. این نمونه را پروفسور فوریسون از آن جهت آورده است که عدم وجود اتاق گاز در بوخنوالد بر همگان اثبات شده و در ضمن مملو از دروغ پردازی و افسانه سازیهای آشکار است تا دیرباوران هم متقاعد شوند شهادتهای موجود در مورد اتاقهای گاز بی پایه و بی اساس هستند. سند شماره ۱۶ شامل مقاله ای در مورد داخائو است که پروفسور فوریسون آن را در ژوئیه ۱۹۷۹ نگاشته است و در آن اثبات می کند که در داخائو هیچ گونه کشتار جمعی انسانها در اتاقهای گاز صورت نگرفته است. در انتهای این سند هم پروفسور فوریسون با ارائه مدارک ادعایی در اثبات وجود اتاق گاز در داخائو تأکید می کند که هیچ گونه مدرک قابل استنادی در این مورد وجود ندارد و تنها چیزی که موجود است چند

عکس از جعبه‌های زیگلون ب که هیچ چیزی را اثبات نمی‌کند، چرا که استفاده از زیگلون ب در ارتش آلمان به جهت ضد عفونی به همان اندازه معمول بوده که استفاده د.د.ت در ارتش امریکا معمول بوده است (صص ۲۲۶ - ۲۲۵).

بخش پنجم:

در قسمت پنجم اسناد پروفیسور فوریسون به انجمن بین‌المللی علیه نژادپرستی و یهودستیزی «گیلوا»^۷ پرداخته است. در ابتدا تاریخچه‌ای مختصر از این سازمان یهودی ارائه می‌شود و در ادامه مشکلات و معضلاتی که این سازمان برای پروفیسور فوریسون به وجود آورده است از قبیل تهدید به ضرب و جرح و قتل و فحاشی بیان می‌گردد (صص ۲۳۱ - ۲۳۰). در ادامه این سند حکم دادگاه حل اختلاف پاریس علیه پروفیسور فوریسون و نمونه‌هایی از تقلبهای صورت گرفته توسط این سازمان یهودی آورده شده است.

در انتهای این کتاب هم سه سند تکمیلی آمده است. سند تکمیلی شماره ۱۸ مدرکی از صلیب سرخ جهانی درباره اردوگاه آشویتس است. این سند که در اصل له متهمان به کشتار جمعی انسانها در اردوگاه آشویتس می‌باشد با تحریفاتی که در آن صورت گرفته است به صورت سندی علیه این متهمان درآمده است. این سند در واقع گزارش دیدار نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ با فرمانده اردوگاه آشویتس در سپتامبر ۱۹۴۴ م می‌باشد. نکته قابل ذکر اینکه صلیب سرخ مانند واتیکان و برخی دیگر از مراجع بین‌المللی پس از جنگ اعلام کردند که از موضوع «اتاقهای گاز» و «قتل عام یهودیان» کاملاً بی‌خبر بوده‌اند (ص ۲۴۶). سپس پنج عبارت اساسی گزارش آورده می‌شود و بعد از آن پروفیسور فوریسون به توضیح و تحلیل این پنج عبارت می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که شایعاتی در زمان جنگ در این خصوص وجود داشته است اما هیچ چیز اثبات نشده است و پروفیسور فوریسون مجدداً در اینجا هم تکرار می‌کند یک مدرک هم که به صراحت بر کشتار جمعی انسانها در اتاقهای گاز دلالت داشته باشد، نیافته است (ص ۲۴۹). در انتهای این سند هم نامه پروفیسور فوریسون به یکی از دانشگاهیان طرفدار تجدیدنظرطلبان تاریخی یا تاریخ دانان مکتب تاریخ حقیقی آورده شده است.

سند تکمیلی شماره ۱۹ در مورد شهادت فیلیپ مولر^۸ درباره آشویتس می‌باشد. در این سند پروفیسور فوریسون سعی می‌کند تا دروغ‌پردازیهای صورت گرفته در اصل شهادتها و تحریفاتی را که بعداً و توسط ناشران در آن صورت گرفته است به نمایش بگذارد. در ادامه این سند نامه پروفیسور فوریسون به آقای ژان دانیل مدیر مجله نول ایزرواتور آمده است که وی در مورد کتاب خاطرات فیلیپ مولر توضیحات بیشتری ارائه می‌دهد و در پایان این سند هم نامه ژان دانیل در

پاسخ نامه پروفیسور فوریسون آورده شده است.

سند تکمیلی شماره ۲۰ که آخرین سند و مطلب این کتاب است نوعی نتیجه‌گیری پروفیسور فوریسون از بحثهای موجود در کتاب به حساب می‌آید که لزوم بازنگری در تاریخ جنگ جهانی دوم و به دست آوردن تاریخ واقعی جنگ جهانی دوم را می‌رساند. پروفیسور فوریسون در این بخش عنوان می‌کند که: «به نظر من صحیح‌تر آن است که بگوییم یک افسانه یا نوعی مذهب وطن پرستی که حق و باطل را در اندازه‌های مختلف نزد فاتحان جنگ در هم می‌آمیزد، ساخته شده است. وجود نوعی تابو، سانسور خودجوش و نوعی تروریسم - که به وحشی که ایجاد می‌کند آگاهی ندارد - موجب شده تا هرگونه تلاشی در جهت جستجو و کشف واقعیتها، تاکنون سرکوب شوند. بدین ترتیب، وقایع نگاران درباری، با نوشته‌ها، گفته‌ها و حتی سکوت محترمانه خود، آیین برخی از افسانه‌ها را که در برهه‌هایی از تاریخ جوامع، حیاتی بوده‌اند، ساخته، پرداخته و حفظ کرده‌اند.» (ص ۲۷۹) کتاب با نامه یک تبعیدی سابق در دفاع از حقیقت پایان می‌پذیرد.

پانوشتها:

۱- عنوان اصلی کتاب به شرح ذیل است:

Memoire endefense, Contre ceux qui Maccusent de falsifier L'Histoire, la question des chambres a gaz.

۲- از پیشگامان مکتب تاریخ حقیقی و از اعضای جناح چپ فرانسه است. او عضو نهضت مقاومت بود و کتاب دروغ اولیس را نوشته است.

۳- ژولوز: کسی که در روزنامه لوموند و در مقابل فوریسون در سال ۱۹۷۸ مقالاتی نوشته است و در ضمن آنها فوریسون را به تحریف تاریخ متهم می‌سازد.

4- Schwarzhuber.

5- Jan Sehn.

6- Hnocque.

7- LICRA : این انجمن فرانسوی از سازمانهای پر قدرت یهودیان محسوب می‌شود.

8- Filip Mller.